



The Most Recent Methods of Martyrs' Veneration in Daily Life An Investigation of Iran Street of Tehran

Maryam Rafatjah¹ | Narges Emami Shoshtari²

1. Corresponding author, Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: rafatjah@ut.ac.ir
2. Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: emaminarges@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 19 April 2025 Received in revised form: 17 July 2025 Accepted: 23 July 2025 Published online: 16 September 2025 Keywords: Daily Life, Intercession, Martyrdom, Reverence to Martyrs, Veneration.	Martyrdom is a central concept in Islamic teachings, which in post-revolutionary Iran has undergone significant reinterpretation. Individuals who lost their lives in defense of the Islamic Republic are also regarded as martyrs in contemporary discourse, in addition to those who perished in armed conflicts. Traditionally, this veneration was derived from their superior spiritual status in the eyes of God. However, novel manifestations have emerged, such as the widespread practice of requesting intercession and blessings through martyrs and the construction of shrine-like graves, particularly among religious families. This study utilizes purposive sampling and a phenomenological approach to investigate the perceptions of martyrdom among religious families residing in Iran Street, Tehran, as informed by the theories of Peter Berger and Danièle Hervieu-Léger. Families of various ages, including both martyr and non-martyr households, comprise the participants. The findings reveal that martyr families prioritize the martyr's sincerity and consider war martyrs as having a higher spiritual value. In contrast, non-martyr families emphasize personal virtues, such as devotion to the Supreme Leader and self-discipline, without distinguishing between distinct categories of martyrdom. Intercession through martyrs is a practice that is frequently observed and considered religiously genuine. Participants address their daily needs to martyrs, while simultaneously seeking spiritual or eschatological guidance from the Imams. This distinction exemplifies a stratified sacred cosmology in which martyrs serve as accessible intermediaries, thereby enabling divine proximity in daily life.

Cite this article: Rafatjah, M. & Emami Shoshtari, N. (2025). The Most Recent Methods of Martyrs' Veneration in Daily Life; An Investigation of Iran Street of Tehran. *Social Studies and Research in Iran*, 14(3):467-483.
<https://doi.org/10.22059/jsr.2025.393719.1614>



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jsr.2025.393719.1614>

پدیدارشناسی شیوه‌های متأخر تکریم شهدا در زندگی روزمره مطالعه‌ای در خیابان ایران

مریم رفعت‌جاه^۱ | نرگس امامی شوشتری^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rafatjah@ut.ac.ir

۲. گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: emaminarges@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۴/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۶/۲۵ کلیدواژه‌ها: تکریم، توسل، حفظ حرمت شهدا، زندگی روزمره، شهادت.	شهادت یکی از مفاهیم برخاسته از شریعت اسلام و شامل افرادی است که جان خود را آگاهانه برای هدفی متعالی فدا کرده‌اند. از جمله این افراد می‌توان شهدای جمهوری اسلامی را مثال زد که برخی از آنان از حیث مقابر و منزلت، جایگاه متمایزی دارند. این تمایز، تعامل و ذهنیت ویژه‌ای در میان باورمندان آن‌ها ایجاد کرده است. پژوهش حاضر تعاریف و باورهای شماری از زائران مقابر شهدا در محله ایران شهر تهران را واکاوی می‌کند. روش پژوهش پدیدارشناسی است و مشارکت‌کنندگان از میان خانواده‌های مذهبی و انقلابی خیابان ایران انتخاب شده‌اند که برخی از آن‌ها خانواده شهید هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد شرکت‌کنندگان، شهدا را بر پایه ویژگی‌های شخصیتی به‌ویژه اخلاص تعریف می‌کنند، هرچند برداشت آنان از اخلاص متفاوت است. جوانان آن را در روابط اجتماعی و میانسالان در عبادات فردی می‌جویند. اغلب مصاحبه‌شوندگان، توسل به شهدا را مشروع می‌دانند و تجربه کرده‌اند، اما موضوع و گستره توسل آنان به شهدا با توسل به امامان معصوم متفاوت است. رابطه با ائمه رسمی‌تر و با فاصله، و رابطه با شهدا صمیمی‌تر و گسترده‌تر ترسیم می‌شود. توسل به شهدا به‌عنوان واسطه‌ای برای تقرب به امامان و سپس خداوند درک می‌شود. تجربه زیسته شهادت چنان در ذهن برخی خانواده‌ها برجسته است که جایگاه شهدا در ذهنشان با امامان معصوم هم‌پوشانی یافته و بیانگر طیفی از نگرش‌های متکثر است.

استناد: رفعت‌جاه، مریم و امامی شوشتری، نرگس (۱۴۰۴). پدیدارشناسی شیوه‌های متأخر تکریم شهدا در زندگی روزمره؛ مطالعه‌ای در خیابان ایران. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۴(۳): ۴۶۷-۴۸۳. <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.393719.1614>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2025.393719.1614>

۱. مقدمه و طرح مسئله

ارزش‌ها به‌عنوان بنیادی‌ترین اجزای فرهنگ بر نوع نگرش، معناها، آرمان‌ها و اهداف و انتخاب شیوه‌ها و طرق نیل به اهداف و نیز کنش‌های اعضای آن فرهنگ اثر می‌گذارند. بستر ارزشی جامعه ما به‌خصوص بعد از انقلاب اسلامی، ماهیتی عمدتاً مذهبی داشته و بخشی از آن از پیشینه و وقایع تاریخی تشیع نشئت گرفته است. مفهوم شهادت و کشته‌شدن در راه خدا از مفاهیمی است که از ابتدای ظهور اسلام مطرح و اهمیت آن تشریح شده است. اما ارجاعات و ریشه رفتارهای دلیرانه و جهادگرانه‌ای که در دهه‌های اخیر بیش از هر زمانی شاهد آن بوده‌ایم، اغلب به واقعه عاشورا بازمی‌گردد. شهید در زبان فارسی، به معنای «کشته‌شده در راه خدا، آن که زنده و حاضر است نزد پروردگار خود و آن که مشاهده می‌کند ملکوت و ملک خدای را» تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۴۹). مفهوم شهادت البته در دیگر ادیان، به‌خصوص ادیان ابراهیمی از جمله مسیحیت^۱ و یهودیت وجود دارد. در مسیحیت نیز شهید کسی است که به‌خاطر پیروی از عیسی کشته می‌شود^۲. این واژه قبل از آنکه در ایران و به‌واسطه جنگ‌های ملی و دفاع مقدس وجهی سیاسی پیدا کند، در زمان جنگ‌های جهانی نیز دلالت سیاسی پیدا کرده بود. مطابق اساسنامه بنیاد شهید، «شهید کسی است که جان خود را در راه انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن و یا دفاع از کیان جمهوری اسلامی ایران در مقابل تهدیدها و تجاوزهای دشمن و عوامل ضدانقلاب و اشرار نثار نموده و یا می‌نماید» (اساسنامه بنیاد شهید انقلاب اسلامی مصوبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۷ مجلس شورای اسلامی).

بنا بر این تعریف، افراد زیادی از جمله کشته‌شدگان دفاع مقدس شامل مصداق شهادت می‌شوند و مقبره‌های آنان، منزلت و جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ به‌گونه‌ای که برخی از این شهدا به‌ویژه شهدای گمنام، در داخل شهرها و در اماکن فرهنگی یا در مجاورت مساجد خاک‌سپاری شده‌اند و مقبره‌های آنان مانند زیارتگاه امام‌زادگان مکرم داشته می‌شود. این تکریم گاه به‌صورت توسل به ارواح آنان و طلب حوائج دنیوی و اخروی از آنان تجسم می‌یابد. به دنبال این صورت‌بندی از مفهوم و جایگاه شهادت و تکریم آیینی-ملی شهدا و فرهنگ‌سازی متعاقب آن که بعد از جنگ ایران و عراق پدید آمده و سپس تداوم یافته و به‌واسطه هم‌پوشانی ایدئولوژیک مفهوم شهادت در وقایع هشت سال دفاع مقدس با واقعه عاشورا و مشاهده رویه‌های آیینی جدید تکریم این شهدا در محله ایران، بر آن شدیم ذهنیت افراد خانواده‌های مذهبی اعم از شهیدداده و بدون شهید را ذیل این موضوع واکاوی کنیم و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن را در یکی از مقبره‌های شهدای گمنام، واقع در خیابان ایران مورد مطالعه قرار دهیم.

خیابان ایران واقع در منطقه ۱۲ شهر تهران یکی از محله‌های قدیمی و مذهبی‌نشین است که به‌لحاظ فرهنگی شاکله سنتی و مذهبی دارد و در آن هیئت‌های متعدد مذهبی با قدمت بیش از پنجاه سال فعالیت دارند. اهالی این منطقه علاوه‌براین، روحیه‌ای انقلابی دارند و عکس، نام و محل شهادت شهدایی که در این منطقه از دنیا رفته‌اند، در تابلویی بر سردر منازل این شهدا توسط شهرداری نصب شده که از تعداد بسیار زیاد و تراکم خانواده‌های شهدا در این محله خبر می‌دهد. در مجاورت یکی از مساجد این منطقه، پنج شهید گمنام تدفین شده که به محل زیارت اهالی محله و مرجعی برای توسل و نزورات و خیرات تبدیل شده است.

در طول ماه‌ها مشاهده و از طریق گفتگوهایی که با مراجعه‌کنندگان داشتیم دریافتیم که مراجعان علاوه بر گرامی‌داشت یاد این شهدا، به آن‌ها توسل می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند حاجاتشان را برآورده سازند. در سردر ورودی این مقبره عکس شهدای خیابان ایران و نام‌هایشان الصاق شده است. درخواست حاجت، نذرکردن و درخواست شفاعت در روز قیامت و برگزاری روضه در شب‌های جمعه و سایر مناسبت‌های مذهبی، از منزلت و جایگاه ویژه این شهدا نزد مردم محله حکایت دارد و موضوعی تأمل‌برانگیز است. با وجود

^۱ Merriam-Webster's Learner's Dictionary

^۲ Martyr Cross, F. L., ed. The Oxford dictionary of the Christian church. New York: Oxford University Press. 2005

جایگاه مهم شهدا در بدنه معرفتی تشیع، پدیدآمدن چنین منزلت و جایگاهی برای این شهدا (توسل، درخواست حوائج و شفاعت و ارتباط روزمره با ارواح آن‌ها) به نظر جدید می‌آید و سبب بروز پرسش‌هایی می‌شود؛ از جمله اینکه: از منظر خانواده‌های شهدا و افراد سایر خانواده‌های مذهبی مورد مطالعه، شهید چه تعریف و ویژگی‌ها و چه جایگاهی دارد؟ کدام شهدا در نظر افراد مورد مطالعه جایگاه رفیع‌تری دارند و چه چیزی موجب این ویژگی شده است؟ آیا افراد مورد مطالعه مانند سایر اولیا و امامان به شهدا توسل می‌جویند؟ اگر توسل می‌کنند برای چه منظورهایی است، چگونه این کار را انجام می‌دهند و استجابات را در چه چیزی می‌پندارند؟ و اینکه چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان شهدا با ائمه معصومین به لحاظ زیارت مقبره، توسل و طلب حاجت وجود دارد؟

۲. پیشینه تجربی پژوهش

رفعت‌جاه و شمسایی (۱۳۹۴) به مطالعه جهت‌گیری ارزش‌های دینی و انقلابی در دو نسل از افراد خانواده‌های مذهبی پرداختند. روش تحقیق، تلفیقی (کیفی و کمی) و نمونه مورد مطالعه متشکل از ۴۰ خانواده بود که به شیوه هدفمند از میان خانواده‌های مذهبی ساکن خیابان ایران برگزیده شدند. یافته‌های پژوهش نمایانگر تفاوت‌های نسلی در نوع دینداری افراد مورد مطالعه بود. در زمینه تغییر وضعیت دینداری، یافته‌ها نشان داد بعد مناسکی بیش از سایر ابعاد دستخوش تغییر بوده است. با در نظر گرفتن سه بعد اعتقادی، مناسکی و پیامدی، میزان پایبندی دینی افراد نسل اول بیشتر از افراد نسل دوم بوده است. به علاوه تفاوت بین نسل‌اولی‌ها و نسل‌دومی‌ها برحسب جنس نیز متغیر و در زنان بیشتر از مردان بود. در زمینه رویکرد به انقلاب و نظام، هردو نسل خواهان بازگشت به ارزش‌های اولیه انقلاب بودند. همچنین میزان اعتماد به نظام سیاسی در نسل اول بیشتر از نسل دوم بوده است.

کرد و خلیلی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر فرهنگ ایثار و شهادت بر سرمایه اجتماعی با میانجی‌گری باورهای دینی» دریافتند دین و باورهای دینی نقش مهمی در تقویت تعاملات فردی و گروهی و تحکیم روابط اجتماعی دارد. جهان‌بینی دینی به زندگی افراد معنا و هدف می‌بخشد، موجب ایجاد اعتماد، احساس همدلی و مسئولیت‌پذیری در افراد می‌شود و سرمایه اجتماعی را گسترش می‌دهد. از این‌رو فرهنگ ایثار و شهادت به واسطه پیوند با باورهای دینی، موجب برقراری اعتماد و توجه به ارزش‌های اخلاقی در افراد می‌شود. اهتمام به دین و تکوین سرمایه اجتماعی از طریق دین‌ورزی نیز موجب ایجاد روابط پایدار، مشارکت و اعتماد مستمر و تقویت شبکه‌های اجتماعی می‌شود و در نهایت منافع متقابل افراد و جامعه را تأمین می‌کند.

نیلسون^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «مطالعه‌ای انسان‌شناختی در چگونگی ایجاد فرهنگ‌های شهادت» مدل امروزی فرهنگ شهادت و جهاد و مفاهیم و ریشه‌های آن را در آسیای غربی، مرکزی و شرقی توصیف و ترسیم کرد. او ضمن برجسته کردن شباهت‌های ساختاری «فرهنگ شهادت»^۲ در آسیای غربی (خاورمیانه) و سریلانکا، ریشه‌های نمادگرایی تأثیرگذار بر فرهنگ شهادت را توضیح داد. نیلسون با استفاده از مدل نظری «فرهنگ‌گرا، نمادگرا»^۳ ی کلیفورد گیرتز^۴ و نظریه «فرهنگ فقر»^۵ لوئیس^۶ این ارزیابی را ارائه داد و ادعا کرد که دسته چهارمی به انواع خودکشی‌های دورکیم تحت عنوان «خودکشی تروریستی»^۶ اضافه و مفهوم‌سازی

^۱ Wesley K. Nielson

^۲ Cultures of Martyrdom

^۳ Clifford Geertz

^۴ culture of poverty

^۵ Oscar Lewis

^۶ terrorist suicide

کرده است. نیلسون قرابت ویژه‌ای بین مؤلفه‌های فرهنگ شهادت و فرهنگ نمادگرایی گیرتز یافت و تأکید کرد که این نظریه‌پرداز با قائل شدن استقلال و اولویت برای فرهنگ از بنیان‌گذاران فرهنگ نمادگرا است. نیلسون با تشریح مفصل کار گیرتز در بالی^۱ روی جایگاه فرهنگی خروس و استعاره‌سازی از این پرنده و فرهنگ جنگ میان خروس‌ها و تأثیر آن بر افراد توضیح داد که چگونه می‌توان از نمادها (و آیین‌ها) به عنوان یک متن در تفسیر فرهنگ استفاده کرد.

نیلسون با توضیح تاریخ کلمه شهید به این نتیجه رسید که اسلام خط بسیار پررنگی میان پرخاشگری، خشونت، قتل‌عام و جنگیدن در راه خدا کشیده است. او حتی با بیان مفهوم جهاد اصغر، بر اهمیت خویشن‌داری در اسلام تأکید ورزید. همچنین با استناد به آیه‌ای از قرآن، مراحل پیش از اقدام به جنگ با دشمنان، از جمله گرفتن جزیه را ذکر و مفهوم خودکشی تروریستی را از شهادت در راه خدا جدا کرد. به علاوه تلاش کرد تا نمادها و مفاهیمی را که سبب شکل‌گیری فرهنگ شهادت در آسیای غربی شده است، کشف کند. نیلسون بیان کرد که این جوامع مانند جوامعی که لوئیس روی آن‌ها کار کرده برای مقابله با آسیب‌های اقتصادی و سیاسی، به ظهور فرهنگ شهادت‌طلبی نیاز دارند. آنچه این همانندی را ایجاد می‌کند، وجود ایدئولوژی‌ها و باورهای است که در بستر اجتماع اقتصاد و سیاست‌محور، نمادهایی را تولید می‌کند که از آن نمادها مفهوم فرهنگ شهادت استخراج می‌شود. همان‌طور که فرهنگ فقر در بستر جوامع سرمایه‌داری ایجاد می‌شود. لوئیس تأکید می‌کند که این نمادها و باورها به علت تفاوت ایدئولوژی و فاصله مکانی متفاوت‌اند، اما کارکرد یکسانی را بروز می‌دهند. البته می‌توان از زاویه‌ای دیگر نیز به این موضوع نگاه کرد. باورهای آیینی و فرائض دینی به این دلیل که در متن دین آمده‌اند، از ریشه‌ها و مصلحت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مبرا نیستند؛ برای مثال آیات بسیاری در مذمت گران‌فروشان در قرآن آمده است و پیامبر اسلام توصیه‌های متعددی در این زمینه دارد که مسلمان باایمان، از گران‌فروشی، به علت حرام بودن و دور شدن از رضایت خداوند پرهیز می‌کند. حال آنکه قوانین اقتصادی و حمایتی بسیاری از کشورها فارغ از مسئله مذهب به این نکته پرداخته‌اند و این قاعده حفظ سلامت اقتصاد از طریق رعایت موازین دینی بی‌هدف نیست. این مسئله در ارتباط با فرهنگ شهادت و ایثار نیز صدق می‌کند و اختلاف در نتیجه‌گیری ناشی از اختلاف در زاویه دید است.

۳. تأملات نظری

پیتر برگر و انواع دینداری: برگر، هم از منظر جامعه‌شناسی و هم از منظر یک متأله (کسی که به اندیشه‌های دینی و الهی اشتغال دارد) به دین نگاه می‌کند. این دو رویکرد در کار او، دو روی یک سکه محسوب می‌شوند. برخلاف جامعه‌شناسی او که به جایگاه دین در دوره مدرنیته می‌پردازد، الهیات او پاسخ به چالشی است که در دوره مدرن برای دین به وجود آمده است (علمی و حسن‌زاده، ۱۳۹۱). از منظر برگر، آنچه باید مطالعه شود چیزی است که افراد آن را واقعیت می‌پندارند. همین شناسایی است که معناها را می‌سازد؛ معنایی که در زندگی روزمره ساخته می‌شود و جامعه به وسیله آن‌ها شکل می‌گیرد.

برگر ماوراءالطبیعه را در چارچوب پدیدارشناسی زندگی روزمره فهم می‌کند؛ یعنی باور به امری فراطبیعی که دارای معنای غایی برای انسان است (برگر، ۱۹۶۹ به نقل از مرشدی، ۱۳۹۱). او متألهان را از جستجو برای پدیده‌های مذهبی‌ای که به عنوان پدیده متفاوت با فرافکنی‌های بشر ظاهر می‌شوند، بر حذر می‌دارد؛ چرا که هیچ چیز در برابر نسبیت شدن تحلیل اجتماعی-تاریخی در امان نیست. به بیان دیگر، پدیده‌های دینی هر چیز دیگری هم که باشند، فرافکنی‌های انسانی و ساخت‌های اجتماعی برساخته انسان

¹ Deep Play: Notes on the Balinese Cockfight

هستند. الهیات باید به دنبال این باشد که نشان دهد «در، با و ذیل» آرایش وسیع فرافکنی‌های بشری، شاخصه‌ای از واقعیتی وجود دارد که از نوعی «دیگر» است. به گمان برگر، اگر فرافکنی‌های دینی انسان منطبق با واقعیتی فراانسانی و فراطبیعی است، به نظر منطقی می‌رسد که ردپای این واقعیت را در خود فرافکننده (انسان) دنبال کنیم (مرشدی، ۱۳۹۱).

برگر معتقد بود «در جوامع سنتی، همه فرایندهای نهادهی در جامعه و همه تجربیات افراد، نمادها و باورهای دینی را تأیید می‌کردند، اما در جامعه مدرن، به سبب کثرت زیست‌جهان‌ها، تقسیم‌کار و تخصصی‌شدن امور و مدرن‌شدن عرصه‌های زندگی و حوزه‌های آگاهی بشر، وظیفه قدیمی دین مورد تهدید جدی قرار گرفته است» (برگر، ۱۳۸۱: ۷۳ به نقل از هاشمی و زارع، ۱۳۹۵). در این وضعیت، فرد با دنیایی مواجه می‌شود که در آن، نمادها و تعاریف دینی دگرگون و حتی گاهی انکار شده‌اند. این روند به «کاهش نفوذ دین» در جامعه منجر می‌شود. این همان نظریه سکولاریزاسیون^۱ برگر است که مضمون آن این است که بین مدرنیزاسیون و سکولاریزاسیون پیوندی ذاتی وجود دارد. بدین معنا که اولی لزوماً به دومی منتهی می‌شود (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۷-۱۰۸ به نقل از نایی، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر در عصر جدید براساس آموزه‌های مدرنیته، دین در قلمرو زندگی خصوصی جای می‌گیرد و فردی‌شدن دین مطرح می‌شود. این نوع دین خصوصی‌شده گرچه ممکن است برای افرادی که آن را انتخاب می‌کنند، جنبه‌ای واقعی داشته باشد، اما دیگر قادر نیست نقش پیشین خود (ساختن جهان مشترک) را ایفا کند. در نتیجه «دنیوی‌شدن» موجب می‌شود که ادیان برخلاف گذشته نتوانند از افراد جامعه وفاداری محض طلب کنند و تبعیت و پیروی کردن به «امری داوطلبانه» و اختیاری تبدیل می‌شود (برگر، ۱۳۷۵: ۶۸ به نقل از هاشمی و زارع، ۱۳۹۵). در اواخر دهه نود، در یک چرخش و تحول نظری، برگر با ارائه نظریه سکولاریزاسیون^۲ به رد نظریه دنیوی (سکولار) شدن پرداخت: «بزرگ‌ترین اشتباه من و دیگرانی که در دهه پنجاه و شصت در این زمینه کار می‌کردند این بود که تصور می‌کردیم مدرنیته لزوماً به افول دین در جامعه می‌انجامد» (برگر، ۱۹۹۷: ۷۸۲ به نقل از بروس، ۲۰۰۱: هاشمی و زارع، ۱۳۹۵). او می‌گوید: «این پنداره که ما در یک دنیای سکولار زندگی می‌کنیم، نادرست است. دنیای امروز به‌جز چند استثنا، همان‌قدر از نظر مذهبی متعصبانه است که همیشه بوده و در بعضی از مناطق «بیش از هر زمان دیگر» مذهبی است (برگر، ۱۹۹۷ به نقل از سراجزاده، ۱۳۸۸). برگر معتقد است «سکولارشدن جامعه لزوماً به سکولارشدن فرد نمی‌انجامد. ممکن است نهادهای دینی قدرت و نفوذشان را در برخی از جوامع از دست داده باشند، ولی باورها و کردارهای دینی جدید و قدیم در زندگی افراد تداوم می‌یابد» (برگر، ۱۹۹۷ به نقل از سراجزاده، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۴). در رویکرد متأخر برگر، فردگرایی (و تکثر انتخاب‌های فردی) لزوماً به سکولارشدن افراد منجر نمی‌شود، اما نسبت همه امور مسلم در مذهب را مانند سایر قلمروهای حیات آشکار می‌سازد. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که پیدایش گونه‌های جدید دینداری را نمی‌توان حمل بر بی‌دینی کرد. آنچه اتفاق می‌افتد، شخصی‌شدن ساحت‌ها و شیوه‌های دینداری است (رفعت‌جاه و شمسایی، ۱۳۹۴).

هرویو لژه و حافظه دینی: دنیل هرویو لژه انسان‌شناس و پژوهشگر حوزه دین است. در بستری مملو از آسیب‌شناسی‌های اشتباه از دنیوی‌شدن و تقدس دوباره دین کتاب بسیار ارزشمند هرویو لژه، شهامت تبیین جدیدی از مفهوم دین را پیدا کرده است (هرویو لژه، ۲۰۰۱). طبق سنت نویسندگانی مثل پیتز برگر، فرانسیس آندره^۳، آیزنبرت^۴ و به‌خصوص توماس لاکمن^۵، وی معتقد است چنین تعریفی نباید محدود به شناخت دین، بلکه باید شامل فرم‌های مشاهده‌نشده باشد. برای جلوگیری از بیان تفاسیر مشابه از دین

^۱ Secularization

^۲ De secularization

^۳ Francoise-Andre

^۴ Isambert

^۵ Thomas Luckmann

به مثابه پدیدار، او مفهوم دین را به مقوله ایمان پیوند می دهد و چنین تبیین می کند که دین نوعی باور است که به زنجیره ای از اعتقادات تعهد دارد. در یک ساختار اعتقادی، فرد به عضویت یک جامعه و سنت های آن درمی آید. این ساختار اعتقادی شامل سه عنصر است: اقرار به باورداشتن، استمرار در به یادآوری یک حافظه مشترک و نظامی مشروعیت بخش که به حقیقی بودن این حافظه ارجاع می دهد و تکیه می کند (هرویو لژه، ۲۰۰۱). هرویو لژه با استفاده از این تصور از دین می خواهد توجه را به سمت تحولات تاریخی دین در دوره مدرن جلب کند. از دیدگاه او مدرنیته و دین، سیر تاریخی متفاوتی ندارند. درواقع خود مدرنیته است که تصویری را ارائه و مطرح کرده که تداعی گر سنت های پیشین و به تبع آن عامل احساس نیاز به دین ورزی است و آن نتیجه گیری از این واقعیت است که جوامع مدرن جوامعی هستند که از تغییر حمایت می کنند و آن را گرمی می دارند. فرهنگ زودگذر یا همان تغییر، نیروی محرکه جوامع کاپیتالیستی است که سبب از بین رفتن حافظه جمعی می شود، اما این فروپاشی لزوماً با ازدست دادن ایمان برابر نیست و حتی برعکس، جنبش های مذهبی مدرن موفق به بازآفرینی سنت های مختلف شده اند. البته ممکن است فروپاشی گروه های سنتی اولیه (که حاملان حافظه جمعی اند) با ایجاد گروه های برادری انتخابی و انجمن ها و شبکه ها و مجموعه ها ترمیم شود و زنجیره های جدید اعتقادی دوباره شکل بگیرد که می توان آن را در احترامی که علی رغم تضادهای قومی به نشانگان مذهبی گذاشته می شود، مشاهده کرد. از سوی دیگر، هویت های قومی هم در قالب مذهب و هم در قالب تعلقات احساسی (غیرتمندانه) شدید بازتولید می شود. این پیوستگی ها گزینشی هستند و به شدت روابط احساسی بستگی دارند و همین مبنای احساسی و عاطفی است که هرویو لژه مدام بر آن تأکید می کند (همان).

تأکید ویژه هرویو لژه بر حافظه دینی و نظام بازتولید آن که زنجیره ای از باورها را می سازد که به آن دین ورزی می گوید، در تعمیق ذهنیت افراد مورد مطالعه این پژوهش اهمیت زیادی دارد؛ چرا که طبق نظریه هرویو لژه، باور در طی یادآوری (حافظه دینی) بازتولید می شود و تداوم می یابد؛ برای مثال درباره موضوع مورد مطالعه این پژوهش، هنگامی که افراد با کنشی مانند جهاد در راه خدا، تحت عنوان وظیفه شرعی و با نیروهای محرکه تاریخی به جنگ می روند و جان خود را فدا می کنند، ابتدا مصادیق جدیدی برای آن حافظه تاریخی ایجاد می شود و دوم، بعد از گذشت اندک زمانی خود به نمونه ای از حافظه دینی تبدیل می شوند. این همان استحاله واژگان به معانی ثانویه و متأخر است که پیش تر به آن اشاره شد. گفتمان های غالب موجب تداوم و تقویت معانی جدید و بروز اعتقادات و رویه هایی متناسب با آن می شود.

۴. روش شناسی پژوهش

از آنجا که موضوع پژوهش به باورهای افراد درمورد ماهیت شهادت و جایگاه شهدا و شیوه های کنونی تکریم شهدا مربوط است، مستلزم شناخت ابعاد ذهنی و برداشت ها و معانی و در نتیجه کاربرد روش کیفی و بهره گیری از فنون متنوع مانند مشاهده و مصاحبه نیمه ساخت یافته برای شناسایی ابعاد مختلف موضوع است. از این رو ترکیبی از دو روش برای مطالعه میدانی انتخاب شد: ۱. مردم نگاری (حضور و مشاهده طولانی مدت و مکرر در میدان و آشنایی نزدیک با افراد مورد مطالعه) و ۲. پدیدارشناسی (توصیف تجارب مشارکت کنندگان از مفهوم شهید و پدیده شهادت و یافتن وجوه مشترک و دستیابی به ذات فراگیر آن تجارب). میدان تحقیق یعنی خیابان ایران شامل ویژگی های فرهنگی خاصی می شود؛ بیشتر ساکنان آن بازاری و مذهبی هستند و در طبقه متوسط رو به بالا دسته بندی می شوند. تعداد مساجد، مدارس و حسینیه ها در این منطقه بیشتر از سایر مناطق است. همچنین تراکم خانه هایی که بر دیوارشان تابلو عکس و مشخصات شهید آن خانه (سن، محل و سال شهادت) توسط شهرداری نصب شده زیاد است.

در مجاورت یکی از مساجد این محله (مسجد فائق)، مقبره‌ای وجود دارد که پنج شهید گمنام در آن دفن شده‌اند که طی اتفاقی، دو نفر از آن‌ها سال‌ها بعد از تدفینشان شناسایی شدند. در این مقبره هر هفته مراسم توسل و زیارت عاشورا برگزار می‌شود که مورد استقبال وسیع اهالی قرار دارد و تقریباً در تمامی ساعات روز مراجعه‌کنندگانی در آن حضور دارند.

افراد مورد مطالعه از میان خانواده‌های مذهبی و طرفدار انقلاب ساکن خیابان ایران انتخاب شدند. صرف‌نظر از همسانی نسبی جایگاه اقتصادی و اجتماعی، همه مشارکت‌جویان خانم بودند؛ زیرا شهدا (شامل شهدای دفاع مقدس و دفاع از حرمین) عمدتاً مرد بودند و راضی‌کردن آقایان به مصاحبه بسیار دشوار بود. از طرف دیگر زنان تمایل بیشتری به صحبت درمورد تجربیات، تصورات و احساساتشان داشتند.

از آنجا که مطالعات اولیه نشان داد درمورد شیوه تکریم شهدا، بودن یا نبودن در خانواده شهدا و نیز جوان یا میانسال بودن تفاوت ایجاد می‌کند، در نمونه‌گیری، دو معیار داشتن یا نداشتن شهید در خانواده و رده سنی جوان یا میانسال را لحاظ کردیم. در نتیجه نمونه مورد مطالعه دارای چهار تیپ بود که برای حصول اشباع داده، در هر تیپ حداقل ۵ نفر و در مجموع ۲۴ نفر مصاحبه شدند. براساس این تیپولوژی به مقایسه رویکرد و دیدگاه‌های تیپ‌های زیر می‌پردازیم: مقایسه خانواده‌های شهدا و خانواده‌های غیرشهید، مقایسه جوانان و میانسالان در خانواده شهدا، مقایسه جوانان و میانسالان در خانواده‌های غیرشهید.

جدول ۱. تیپ‌های نمونه و تعداد مصاحبه‌شوندگان در هر تیپ

مشارکت‌جویان خانواده‌های شهدا (۱۱ نفر)		مشارکت‌جویان خانواده‌های غیرشهید (۱۳ نفر)	
میانسال (۳۶ تا ۶۰)	جوان (۲۳ تا ۳۵)	میانسال (۳۶ تا ۶۰)	جوان (۲۳ تا ۳۵)
۵ نفر	۶ نفر	۶ نفر	۷ نفر

محورهای مصاحبه براساس پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. دیدگاه مصاحبه‌شوندگان به ویژگی‌ها و جایگاه و منزلت شهدا؛ ۲. شیوه درجه‌بندی شهدای انقلاب اسلامی در نگاه مصاحبه‌شوندگان؛ ۳. چگونگی حفظ حرمت شهدا از منظر مصاحبه‌شوندگان در زندگی روزمره؛ ۴. نگرش، خاطرات یا تصورات مشارکت‌کنندگان از منش، اعتقاد و شخصیت شهدا؛ ۵. دیدگاه مصاحبه‌شوندگان درمورد مشروعیت توسل به شهدا و اینکه آیا تجربه استجاب داشته‌اند؛ ۶. اینکه مشارکت‌کنندگان چگونه و برای چه مقاصد و حاجاتی به شهدا متوسل می‌شوند؛ ۷. اینکه مشارکت‌کنندگان چگونه و برای چه مقاصد و حاجاتی به ائمه معصوم متوسل می‌شوند؟

بعد از مکتوب‌کردن مصاحبه‌ها، نتایج مشاهدات به‌صورت جداگانه به هر مصاحبه اضافه شد. همچنین داده‌ها براساس تیپ‌ها و محورهای مصاحبه در یک جدول اکسل وارد شد؛ به‌گونه‌ای که محورهای مورد مطالعه یا مقوله‌های تحلیلی در ستون‌ها و مصاحبه‌شوندگان به‌ترتیب تیپ‌ها در سطر و خلاصه پاسخ‌هایشان به هر محور در ذیل همان محور درج شد. در محورهای انتهایی نیز اطلاعات جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات و وضعیت تأهل) وارد شد. برای سهولت تحلیل، در مرحله بعدی نظم‌دهی مفهومی انجام گرفت. محورهای مصاحبه در چهار مقوله تحلیلی تعریف شهید، دسته‌بندی جبهه‌ها و انواع شهید، شیوه حفظ حرمت شهدا در زندگی روزمره و توسل و حاجت‌طلبی جای گرفت. در مرحله سوم، در راستای شناسایی برداشتها و معانی مشترک، پاسخ‌های مشارکت‌جویان در هر تیپ به تفکیک مقوله‌های تحلیلی بارها مرور و موارد مشترک در آن‌ها استخراج شد.

۵. یافته‌های پژوهش

چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، یکی از مصادیق شهادت، کشته‌شدن مسلمانان در جنگ با دشمنان است و احادیث فراوانی از پیامبر اکرم و امامان معصوم و نیز آیاتی در قرآن درخصوص جایگاه رفیع شهدا وجود دارد. همچنین در قرآن کریم، آیات متعددی در این زمینه نازل شده است.

بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در ایران، این جایگاه و علو درجات شهدا خیلی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که طی هشت سال جنگ، بسیاری از خانواده‌های ایرانی حداقل یکی از عزیزان خود را در جنگ از دست داده بودند، فشار بسیار زیادی به‌لحاظ عاطفی و روانی به مردم وارد شد. همین امر موجب شد که خانواده‌های به‌سوگ‌نشسته به‌صورت منظم به زیارت قبور آن‌ها بروند و برای التیام قلب بازماندگان و البته تشریح ارزش کار آن شهیدان، احادیث و آیات قرآنی مرتبط با رفعت جایگاه شهدا، در فضاهای عمومی و در رسانه‌ها بسیار ذکر شود. از ویژگی‌های ذکرشده برای شهدا، پاک‌شدن آنان از همه گناهان و زنده‌بودن آنان نزد پروردگارشان و دریافت روزی آنان از خدای متعال و تأکید بر این مطلب بود که ارواح مؤمنان برای پاکی از گناهان آزادند. مجموع این شرایط، واکنش‌هایی را از طرف مراجعان به قبور شهدا در پی داشت و مبنای توسل به ارواح آنان با توجه به جایگاه رفیعشان نزد خدا بود.

در این پژوهش، پدیده محوری، یافتن تصویر روشنی از هویت، جایگاه و حوزه اختیاراتی است که زائران قبور و متوسلان به ارواح شهدا برای آنان قائل‌اند. همچنین در پی شناسایی چگونگی شیوه‌های ارتباط، تکریم، توسل و حاجت‌طلبی از شهدا برآمدیم. برای فهم بهتر این موضوعات، دو دسته از خانواده‌های مذهبی شهدا و خانواده‌های غیرشهید را مطالعه کردیم.

۵-۱. خانواده‌های شهدا

در این تیپ با ۱۱ نفر مصاحبه شد که قریب به نیمی از آنان جوان و نیمی میانسال بودند. بیشتر مصاحبه‌شوندگان در تعریف شهدا تأکید ویژه‌ای بر اخلاص عمل و نیت خود شهدا داشتند و معتقد بودند کسی بعد از مرگ به جایگاه شهدا نمی‌رسد، مگر آنکه با اخلاص باشد. باین‌حال میانسالان اخلاص را در انجام درست تکالیف و واجبات شرعی می‌دانستند و جوانان برای اخلاص، مصادیقی در زندگی اجتماعی آن شهید مثال می‌زدند. آنان درست زندگی کردن را در بعد اجتماعی و زمان حیات آن‌ها شناسایی کردند و شهیدان را با دل‌رحم‌بودن، غیرتی‌بودن، متواضع‌بودن و رعایت حقوق همسایه توصیف کردند؛ برای مثال یکی از میانسالان خانواده شهدا درباره ویژگی ماهوی شهید اظهار کرد: «من کاری به الان ندارم. فقط می‌دونم خون‌هایی که ریخته شده برای این انقلاب، یقیناً انسان‌های با اخلاصی بودند. این افراد غل‌وغش در اون‌ها نبوده، حرام‌خوری در اون‌ها نبوده. شاید هم عمرشون بیشتر از این نبوده، اما خدا خواسته مرگشون با عزت و با شهادت باشه و همیشه اون‌ها رو زنده نگه داره... همسر من عاشق زیارت بود و واقعاً عاشقانه و مخلصانه زیارت می‌کرد. هر روز زیارت حضرت زهرا و امیرالمؤمنین و زیارت عاشورا بعد از نماز صبحش ترک نمی‌شد.»

همه مصاحبه‌شوندگان این تیپ، شهدا را با میزان اخلاصشان قابل‌دسته‌بندی می‌دانند، نه با جبهه یا نحوه شهادتشان. در تمامی نظرات این تیپ، جایگاه بالاتر به شخصیت خود شهید و میزان اخلاص او در عمل به تکالیفش بستگی دارد. همچنین خانواده شهدا غالباً مصداق حفظ حرمت شهدا را مسئله‌ای اجتماعی و بیرونی می‌دانند و آن را برابر با حفظ و رعایت حجاب در جامعه و در احترامی که دیگران به آن‌ها به‌عنوان خانواده شهید می‌گذارند معرفی می‌کنند.

عقیقه، یکی از فرزندان شهدا در این باره اظهار کرد: «به نظرم نگه می‌دارن حرمت رو و شهید رو پای دولت نمی‌ذارن... به مقدار نسبت به بچه‌های شهدا بدبین هستن به‌خاطر سهمیه‌ها و... اما نسبت به خود شهید دیدگاهشون مثبت، من تابه‌حال ندیدم کسی به شهدا چیزی بگه و بدبین باشه.»

از این گذشته، همه مصاحبه‌شوندگان این تیپ، تجربه توسل به ارواح شهدا را داشتند و این کار را مشروع و جایز می‌دانستند. آن‌ها طبق اظهاراتشان، بعد از خواندن فاتحه یا قرآن یا ختم صلوات برای شهدا، از طریق گفتگو با آن‌ها ارتباط برقرار و صحبت می‌کنند. جالب آنکه سه نفر از مصاحبه‌شوندگان تأکید بیشتری بر این ارتباط داشتند و معتقدند بودند از ارواح شهیدانشان پاسخ‌های واضحی به‌صورت کلام یا نشانه‌های خارق‌العاده دریافت می‌کنند. شایان ذکر است که ارتباط و توسل به شهدای معروف نیز که به دلایلی بعد از مرگشان شهرت یافته‌اند ذکر شده است؛ برای مثال، خواهر یکی از شهدا در این بحث ذیل این موضوع که باید بر مزار این شهدا حاضر شد و با آنان گفتگو کرد، چنین گفت: «مثلاً شهید نیری، یه شهید خیلی با‌اخلاص و جوانی خیلی کم‌سن‌وسال و خیلی انسان خاصی بوده و کارهای خاص انجام می‌داده. این شهید رو آیت‌الله حق‌شناس می‌شناخته و باطنش رو دیده بوده. ولی شهید نیری آیت‌الله حق‌شناس رو قسم داده بود که تا من زنده‌م چیزی نگید... به این آدم‌ها باید توسل کرد. باید از اون‌ها بخوایم به ما هم چیزی از این معرفت بدن. باید از این آدم‌ها حاجت گرفت.»

همه افراد خانواده شهدا اعم از میانسال و جوان غیر از یک نفر به‌صورت مشابهی به امامان معصوم متوسل می‌شوند و فرایند برقراری ارتباط و توسل و حاجت‌طلبی از ائمه را مشابه زیارت شهدا دانستند. آن‌ها گفتند ذکرشان با خواندن زیارت‌نامه، قرآن و نمازهای مستحبی شروع می‌شود و سپس با گفتگو با آن امام خاتمه می‌یابد. با این تفاوت که برای شهدا زیارت‌نامه خاصی وجود ندارد و غالباً با خواندن قرآن و صلوات و نذرکردن انجام می‌شود. تأکید خانواده شهدا در این‌همانی روش و سطح گفتگو نیز قابل‌تأمل است. یکی از فرزندان شهدا در این باب توضیح داد:

«من همیشه در توسل می‌گم چهارده معصوم و پدرم، قطعاً مقام اهل بیت بالاتره، در این شکی نیست و در این هم شکی نیست که مقام ما از شهدا خیلی پایین‌تره... همیشه من مشترکاً از چهارده معصوم و اون شهید یا پدرم حاجت می‌خوام، و دقیقاً همون شکلی میرم مشهد و از امام رضا حاجت می‌خوام و حرف می‌زنم، همون‌طور هم می‌رم سر مزار پدرم و از اون حاجت می‌خوام.»

یکی از مصاحبه‌شوندگان جوان خانواده شهدا تأکید بیشتری بر توسل به شهدای دفاع مقدس و یا شهدای مدافع حرم داشت و معتقد بود به‌دلیل فاصله روحانی زیاد بین ما و امامان معصوم، احتیاج است که حتی به هنگام زیارت امامان معصوم نیز ابتدا به شهیدی متوسل شویم و از او بخواهیم تا گفتگوی ما را به سمع آن امام برساند و برای ما طلب مغفرت کند. در بین تمامی افراد این تیپ، یک نمونه کاملاً متفاوت وجود داشت. لیلا، برادرزاده یک شهید، با وجود تعلق به خانواده شهدا و مذهبی‌بودن، شهید را کسی می‌دانست که در دفاع یا در رکاب امام معصوم کشته شود و در دسته‌بندی شهدا، شهدای دفاع مقدس را کشته‌شدگان ناآگاه و بی‌گناه می‌نامید و به‌طور کلی منکر ارزش روحانی و قدسی برای آن‌ها بود. او درباره توسل معتقد بود توسل به هرکسی به غیر از امامان معصوم، در حقیقت شرک‌ورزیدن به جایگاه آن امامان و بسیار مذموم است و از مبتلاشدن به آن باید به خدا پناه برد. او معتقد بود حتی توسل به شهدای کربلا که جایگاه والایی در شهیدان دارند لزومی ندارد، مادامی که می‌توان به خود سیدالشهدا متوسل شد.

حشرونشر روزمره با ارواح شهدا نیز از عباراتی است که برگرفته از تجربه‌هایی است که برخی از خانواده شهدا به آن اشاره داشتند و اظهار کردند که این تجربه‌ها به‌کرات در زندگی روزمره برای آن‌ها و خانواده‌هایشان اتفاق افتاده است. این موضوع به اندازه‌ای عادی است که همواره با شهیدشان ارتباط و گفتگوی روزمره دارند و گویی همچنان با او زندگی می‌کنند. زهرا خواهر دو شهید، که دو برادرش را در جنگ ایران و عراق از دست داده است، در این باره گفت: «مادر من اصلاً حسن رو می‌دید. مادر من هر سال تا همین آخر

سری‌ها که مریض و ناتوان شده بود، سالگرد خیلی مفصلی براشون (مجید و حسن) می‌گرفت و می‌گفت خودم که بلند می‌شم جارو بکنم، می‌بینم نمی‌تونم انجام بدم. من می‌رفتم می‌دیدم همه کارها رو مادر ۹۰ ساله‌ام کرده. بهش می‌گفتم مادر این کارها رو چطور انجام دادی؟ می‌گفت دیدم توان جارو و بقیه کارها رو ندارم و گفتم: حسن و مجید بیاید! و رفتم جارو رو روشن کردم. بعد به من می‌گفت مادر تو از من قبول نمی‌کنی، اما دیگه من نبودم که کارها رو انجام می‌دادم. خودشون می‌کردن. من قبلش بهشون گفتم که نمی‌تونم غذا بپزم. پس چطور می‌پختم؟ پس بین اونا می‌اومدن.»

خواهر یک شهید دیگر نیز در این رابطه اظهار کرد: «من مدام ابراهیم رو تو خونه می‌بینم و صداشو می‌شنوم. هرکس به من می‌گه التماس دعا، به محض اینکه تنها می‌شم ابراهیم رو صدا می‌زنم و می‌گم خودت برایش یه کاری کن و او هم انجام می‌ده و همیشه قبل از اینکه به من اطلاع بدن، متوجه می‌شم مشککشون رفع شده. یا اینکه همیشه زمانی که شهدای گمنام رو می‌آرن، من خواب می‌بینم ابراهیم با موتورش اومده و جلوی دره و می‌خنده و می‌گه من اومدم. انگار می‌خواد سربه‌سر من بذاره. در صورتی که می‌دونم اون هرگز بدنش شناسایی نمی‌شه.»

۵-۲. خانواده‌های فاقد شهید

در این تیپ با ۱۳ نفر مصاحبه شد که شامل ۶ جوان و ۷ میانسال بودند. در تعریف شهید، غالب افراد این تیپ معتقدند شهید کسی است که درست زندگی کرده باشد و به بیان شهید سلیمانی «شرط شهیدشدن، شهیدبودن است. اگر امروز بوی شهید از رفتار و اخلاق کسی استشمام شد، شهادت نصیبش می‌شود. تمام شهدا دارای این مشخصه هستند.»

آنها در تعریف شهید و بیان ویژگی‌های شخصیت شهدا رعایت حرمت والدین و اطاعت از ولی‌فقیه، جهاد با نفس و اخلاص را ذکر کردند و همه شهدایی را که در پیروی امر ولایت‌فقیه در جبهه‌های مختلف اعم از دفاع مقدس یا دفاع از حرمین، فدا شدند دارای جایگاه والا و روحانی می‌دانستند.

در مقوله حفظ حرمت شهدا، بیش از نیمی از افراد این تیپ، مصداق اصلی حفظ حرمت خون شهدا را رعایت حجاب و اهتمام به احکام دین می‌دانستند. برخی از آنان نیز اشاره کردند زنده نگه‌داشتن یاد آنها، خواندن وصیت‌نامه و زندگی‌نامه آنها و حفظ حرمت خانواده‌های آنها نیز ضروری و شایسته است. در کل در تمامی مصاحبه‌ها نسبت مستقیمی بین حفظ حرمت خون شهدا و میزان دینداری برقرار شد. در مقوله توسل به ارواح شهدا، همگی افراد این تیپ، هم آن را مشروع دانستند و هم تجربیاتی در این زمینه داشتند. شیوه توسل کردن مصاحبه‌شوندگان به ارواح شهدا نیز کمابیش مشخص است؛ توسل همگی آنها مبتنی بر گفتگو بعد از فاتحه‌خواندن یا قرائت قرآن است. برخی نیز با نذر قرائت قرآن یا دادن خیرات برای آنها این توسل را انجام می‌دهند.

در مقایسه شیوه‌های توسل مصاحبه‌شوندگان به ارواح شهدا و امامان معصوم، نظرات آنها، هم از جهت مشروعیت این کار و هم از جهت شیوه آن تفاوت‌هایی داشت. مصاحبه‌شوندگان تأکید می‌کردند در صورت طلب حاجت از امامان معصوم، فقط حوائج کلی یا اخروی را طلب خواهند کرد، مانند عاقبت‌به‌خیری و سلامتی. درعین‌حال دیدگاه دیگری نیز از این مصاحبه‌ها استخراج شد. دو نفر از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که توسل کردن به امامان معصوم جایز نیست و هرکدام دلیل متفاوتی داشتند. ندا ۴۵ ساله معتقد بود درخواست از امامان معصوم نوعی شرک‌ورزیدن به خداوند است؛ درحالی‌که بسیار مقید به توسل و حاجت‌طلبی از ارواح شهدا بود. فرد دیگر که ۳۹ ساله و دانشجوی سطح ۶ حوزه بود، گفت:

«من از اساتید اخلاق شنیده‌ام چون امامان معصوم بر اعمال ما اشراف کامل دارند، شاید متوسل شدن به امامان معصوم درست نباشد. چون ما گناهان زیادی داریم و این باعث می‌شود نزدشون اعتبار نداشته باشیم، ولی شهدا چون درجه پایین‌تری دارند، از درون ما انقدر باخبر نیستن و شاید زودتر برای ما دعا کنن و بدون شایستگی هم به ما حاجتمون رو بدن.»

در این مقوله شاهد هم‌پوشانی کامل بین توسل به ارواح شهدا و امامان معصوم بودیم و در بعضی موارد حتی این جایگاه در نظر مصاحبه‌شوندگان بیشتر متعلق به شهدا بود تا امامان معصوم. به عبارتی این باور غلبه دارد که امامان معصوم با آگاهی از گناهان، بعید است مرحمت و اجابت کنند. شایان ذکر است که در برخی مصاحبه‌ها خود مصاحبه‌شونده در میانه بحث متوجه تناقض باورهای خود می‌شد؛ برای مثال ندا، ۴۵ ساله، که معتقد بود توسل به امامان شریک قراردادن برای خداوند است، هنگامی که شیوه‌ها و تجارب خود در توسل به شهدا را داشت تشریح می‌کرد، به کنایه گفت: «بالاخره این جای خالی رو چیزی باید پر کنه. ما این‌طور بزرگ شدیم و تغییر کلی بسیار سخته.»

یا نرگس، ۳۴ ساله، تأکید کرد: «فقط به امام زمان متوسل می‌شم؛ چرا که ایشان زنده هستن.» اما به هنگام تشریح شیوه‌های توسل به ارواح شهدا، خود متوجه تناقض سخنانش شد.

بیشتر جوانان خانواده‌های غیرشهید، در تعریف شهید، ویژگی‌های شخصیتی شهید را مورد تأکید قرار دادند (رفتار درست با مردم، اهتمام به احکام و مناسک فردی دین مانند نماز، خمس و زکات، اخلاص نیت و داشتن هدف عالی). از نظر آن‌ها محل و جبهه شهادت اصلاً اهمیت ندارد. افراد این تیپ برخلاف خانواده‌های شهدا که با درنظرگرفتن شهید خود، مثال‌های جزئی و مصادیق دقیقی مطرح می‌کردند، نگاهی کلی به این مسئله داشتند. در مقوله حفظ حرمت شهدا، همه مصاحبه‌شوندگان این گروه مهم‌ترین مصداق حفظ حرمت شهدا را حفظ حجاب و رعایت دینداری معرفی کردند. درخصوص توسل به ارواح شهدا نیز همگی آن مشروع دانسته و تجربه کرده بودند. در توسل به ارواح شهدا با توجه به آداب زیارت اهل قبور ابتدا برای آن شهید فاتحه و قرآن، صلوات یا نماز می‌خوانند و سپس شروع به صحبت با او می‌کنند و معتقدند جایگاه رفیع شهدا و دست بازشان در سرای آخرت، امکان استجابت را به آن‌ها می‌دهد. هنگامی که حاجتشان برآورده شد، برای آن شهید خیرات می‌دهند که از جنس خوراکی یا قرائت چند سوره قرآن است. اما توسل آنان به امامان معصوم متفاوت است و معتقدند امامان معصوم جایگاه بسیار بالاتری دارند و درخواست مسائل کوچک از آن‌ها نوعی توهین به آن‌ها است. به‌علاوه از آنجا که ائمه آگاه به گناهان ما هستند که موجب کاهش اعتبار ما نزد آنان می‌شود، باید به شهدا متوسل شویم و از آنان بخواهیم که واسطه بین ما و امامان شوند. شهدا به‌دلیل اینکه به گناهان ما آگاهی ندارند، حوائج ما را برآورده می‌سازند؛ بنابراین، در توسل به امامان به قرائت زیارت‌نامه و حوائج کلی مانند عاقبت‌به‌خیری بسنده می‌کنند. این افراد با توسل به شهدا به زنجیره ارتباط با خدا، یک حلقه اضافه می‌کنند تا به امامان معصوم تقرب پیدا کنند.

همچنین همه افراد میانسال خانواده‌های فاقد شهید اظهار کردند ریشه شهادت را باید در خود شهید جستجو کرد و نه در موقعیت یا هدفی که برای آن کشته شده است. همچنین بر این امر توافق داشتند که غالب شهدا از ابتدا یا بعدها در اثر تحولی که در زندگی پیدا کرده‌اند، دارای خصوصیات اخلاقی ویژه‌ای بوده‌اند. با این حال درمورد رتبه‌بندی شهدا نظرات متفاوتی ابراز کردند. برخی معتقد بودند شهدای دانشمند از جایگاه بالاتری برخوردارند و برخی نیز شهدای گمنام را دارای بالاترین مرتبه نزد خدا ذکر کردند و گمنامی شهدا را نشانه قبول عمل و اخلاص کامل معرفی کردند. در بحث حفظ حرمت خون شهدا، این تیپ در مقایسه با جوانان خانواده‌های غیرشهید، تأکید کمتری بر رعایت حجاب داشتند و بیشتر تأکیدشان بر حفظ حرمت خانواده‌های شهدا و مقبره‌های شهدا بود. در مقوله توسل به شهدا، تمامی افراد این تیپ آن را تأیید و مثال‌هایی از شیوه‌های توسل و تجارب خود مطرح کردند که عمدتاً با قرائت قرآن و فاتحه و سپس گفتگو با آن‌ها، حاجت‌خواستن و نذر برای برآورده‌شدن حاجت انجام می‌شود، اما تفاوت آن با توسل به امامان معصوم

را در آن ذکر کردند که از ائمه، حوائج جزئی یا مادی طلب نمی کنند و اگر از آن ها حاجتی طلب کنند، قطعاً حاجات کلی و یا اخروی خواهد بود. در این زمینه یکی از میانسالان خانواده های غیرشهید گفت: «دو سال پیش برای دخترم که دانشجویست و چند ماه بود نماز نمی خواند، نماز استغاثه به حضرت زهرا خوندم و به ایشان متوسل شدم و حضرت زهرا فرزند منو نجات داد... بعد از متوسل شدن به حضرت زهرا، ایشان الحمدلله مواجه شد با استادی که شعر مولانا رو تدریس می کرد و فلسفه نمازخواندن رو براشون گفته بود و الان نماز اول وقت می خونه. استغاثه به حضرت زهرا خیلی عجیبه.»

افراد این تیپ در شیوه توسل جستن به شهدا و ائمه شباهت ها و تفاوت هایی را ذکر کردند؛ شباهت در زیارت قبور و گفتگو بود و تفاوت در اینکه قبل از گفتگو کردن با ائمه معصوم، زیارت نامه یا نماز خاص آن معصوم را می خوانند؛ درحالی که در توسل به شهدا ابتدا قرآن می خوانند یا فاتحه می فرستند. به علاوه به نیت تقرب یا طلب حاجت به مناسبت ولادت یا شهادت امامان، مجالس مذهبی برقرار می کنند که این مورد برای شهدا ذکر نشد.

۵. بحث و نتیجه گیری

از منظر انسان شناسی زندگی روزمره، آنچه در مطالعه یک اجتماع یا مردم اولویت دارد، شناسایی تصورات، تعاریف، باورها و غایات آن مردم است. از طرف دیگر، زندگی روزمره همواره پایگاهی برای ایجاد معانی و غایات جدید است و آنچه به پیدایش معانی و رویه های جدید در زندگی روزمره منتهی می شود، شرایط اجتماعی، تاریخی، دینی و ارزش های کلانی است که مردم با آن مواجه می شوند. در نتیجه این شرایط، چه بسا برداشتها و نحوه معنابخشی به اعمال روزمره دستخوش دگرگونی شود و معانی و رویه های جدیدی پدیدار شود. اما آنچه در این زمینه اهمیت می یابد آن است که غایات، معانی و رویه های جدید چه زمانی، چگونه و تحت تأثیر چه عواملی پدیدار می شوند و چه کسانی آن را در زندگی اعمال می کنند. در این پژوهش، با توجه به این رویکرد، دلالت های متأخر مفهوم شهادت و جایگاه شهدا و عملکردهای آیینی مرتبط با آن نزد مردم دیندار و انقلابی منطقه خیابان ایران مورد تأمل و واکاوی قرار گرفته است.

براساس مشاهده طولانی و آشنایی با منزلت و جایگاه ویژه شهدا نزد مردم منطقه یادشده، پدید آمدن چنین منزلت و جایگاهی برای شهدای انقلاب اسلامی (توسل، درخواست حوائج و شفاعت و ارتباط روزمره با ارواح آن ها) جدید و قابل تأمل است و سبب بروز پرسش هایی از جمله درخصوص مفهوم شهادت و توسل و حاجت طلبی و جایگاه این اعتقاد در زندگی روزمره این افراد می شود. برای سهولت تحلیل و پاسخگویی به پرسش های پژوهش، یافته ها به چهار مقوله تعریف شهید، رتبه بندی جایگاه و مقام شهدا و معیارهای آن، چگونگی حفظ حرمت شهدا در زندگی روزمره و شیوه توسل و حاجت طلبی از شهدا در قیاس با ائمه معصوم از منظر مشارکت جویان تقسیم شد.

در تعریف شهید، غالب افراد خانواده های شهدا، تأکید ویژه ای بر اخلاص عمل و نیت خود شهدا داشتند، اما میانسالان این خانواده ها اخلاص را در انجام درست تکالیف و واجبات شرعی می دانستند و جوانان برای اخلاص، مصادیقی در زندگی اجتماعی آن شهید مثال می زدند. مشارکت کنندگان خانواده های غیرشهید، اعم از جوان و میانسال در تعریف شهید بر ویژگی های شخصیتی شهدا از جمله احترام به والدین، اطاعت از ولی فقیه، جهاد با نفس و اخلاص تأکید کردند.

در زمینه رتبه بندی جایگاه و مقام شهدا، خانواده های شهدا عمدتاً شهیدان را با میزان اخلاصشان قابل رتبه بندی می دانند، نه با جبهه یا نحوه شهادتشان. در نظر تمامی افراد این تیپ، جایگاه بالاتر به شخصیت خود شهید و میزان اخلاص او در عمل به تکالیفش

بستگی دارد. اما افراد خانواده‌های غیرشهید، غالباً همه شهدایی را که در جبهه‌های مختلف کشته شده‌اند دارای جایگاه والا و روحانی می‌دانستند. در عین حال شمار محدودی از آن‌ها رویکرد متفاوتی داشتند و شهدای دانشمند و برخی نیز شهدای گمنام را دارای جایگاه و مرتبه بالاتری از سایر شهدا ذکر کردند.

با توجه به نظریه هرویو لژه که براساس آن، باور از طریق یادآوری و حافظه دینی تقویت می‌شود و تداوم می‌یابد، در مصاحبه‌ها شاهد آن بودیم که مصاحبه‌شوندگان در مورد مرتبه‌بندی شهدا، به نحوه کشته‌شدن آن‌ها یا شهادت در غربت یا استقبال آن‌ها از شهادت اشاره می‌کردند که تمامی این ویژگی‌ها به کرات در توصیف واقعه کربلا ذکر می‌شود. این زنجیره ابتدا به مصادیق جدیدی برای آن حافظه تاریخی (کربلا) پیوند داده می‌شود و سپس بعد از گذشت زمانی اندک، خود به نمونه‌ای از حافظه دینی تبدیل می‌شود که مدام به وسیله گفتمان‌های مسلط تقویت و یادآوری می‌شود؛ همان‌طور که یکی از مصادیق حفظ حرمت شهدا که به کرات در مصاحبه‌ها مطرح شد، زنده نگه داشتن نام و خاطره شهدا در مجالس مذهبی ذکر شده است.

در خصوص حفظ حرمت شهدا در زندگی روزمره، غالب افراد خانواده شهدا حفظ و رعایت حجاب در جامعه و احترام و تکریم خانواده شهید و اهتمام به احکام دین در سطح جامعه را مصداق بارز حفظ حرمت خون شهدا مطرح کردند و نیمی از افراد خانواده‌های بدون شهید مصداق اصلی حفظ حرمت خون شهدا را منوط به رعایت حجاب و اهتمام به احکام دین در جامعه دانستند. برخی از آنان نیز اشاره کردند زنده نگه داشتن یاد شهدا و خواندن وصیت‌نامه و زندگی‌نامه آن‌ها نیز ضروری و شایسته است. در کل در تمامی مصاحبه‌ها، نسبت مستقیمی بین حفظ حرمت خون شهدا و میزان دینداری برقرار شد.

در موضوع توسل به ارواح شهدا، همه افراد خانواده‌های شهدا تجربه توسل به ارواح شهدا را داشتند و این امر را مشروع و جایز می‌دانستند. آنان طبق اظهاراتشان، بعد از خواندن فاتحه یا قرآن یا ختم صلوات برای شهدا، از طریق گفتگو با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. شماری از آن‌ها نیز اظهار کردند از ارواح شهیدانشان پاسخ‌های واضحی به صورت کلام یا نشانه‌های خارق‌العاده دریافت می‌کنند. این ارتباط و توسل به شهدا منحصر به شهید خانواده نیست، بلکه در مورد سایر شهدای معروف نیز ذکر شده است. همچنین همه افراد این تیپ فرایند برقراری ارتباط و توسل و حاجت‌طلبی از ائمه را مشابه شهدا ذکر کردند که با خواندن زیارت‌نامه، قرآن و نمازهای مستحبی شروع می‌شود و سپس به گفتگو با آن امام خاتمه می‌یابد. با این تفاوت که برای شهدا زیارت‌نامه خاصی وجود ندارد. تأکید خانواده شهدا بر این‌همانی روش و سطح گفتگو نیز قابل تأمل است. افراد خانواده‌های غیرشهید نیز توسل به ارواح شهدا را مشروع دانستند و شیوه توسل آنان نیز مشابه خانواده شهدا بود، اما به لحاظ موضوعات توسل به ارواح شهدا و امامان معصوم، تفاوت‌هایی با خانواده‌های شهدا داشتند و غالب آن‌ها تأکید کردند که از امامان معصوم، فقط حوائج کلی یا اخروی را طلب می‌کنند؛ زیرا به نظرشان، با توجه به جایگاه قدسی ائمه درخواست حوائج مادی و روزمره از ائمه معصوم نوعی توهین به آن‌ها است. به علاوه آگاهی آگاه ائمه از گناهان متوسلان سبب کاهش اعتبار آن‌ها و احتمال عدم استجابت می‌شود. از این‌رو گستردگی موضوعات توسل به شهدا بیشتر بود و معتقد بودند باید به شهدا توسل کنیم و از آنان بخواهیم که واسطه بین ما و امامان شوند. هم‌پوشانی توسل به امامان معصوم و شهدا را می‌توان چنین تفسیر کرد که هر دو به قصد تقرب الهی صورت می‌گیرد و این افراد با توسل به شهدا به این زنجیره یک حلقه اضافه می‌کنند و آن، وسیله قراردادن شهدا در تقرب به امامان معصوم است. در نتیجه رابطه با ائمه معصوم به گونه‌ای رسمی و با فاصله‌ای بیشتر تصویر شده است؛ درحالی‌که رابطه با شهدا، دارای فاصله کمتر و دامنه و صمیمیت بیشتر ذکر شده است. در اینجا جا دارد به این موضوع قابل تأمل اشاره کنیم که به‌طور کلی در ایران، ارتباط با ارواح، پیشینه‌ای کمتر از دویست سال دارد (دوستدار، ۲۰۱۸)؛ درحالی‌که توسل به امامان معصوم در بدنه شریعت نقشی کلیدی ایفا می‌کند و شیعیان بر این باورند که خداوند دست آنان را باز گذاشته و اراده خدا و امامان هماهنگ است. این قدرت برای مؤمنان دیگر هرچند نیکوکار قرار داده نشده است.

یافته قابل توجه دیگر حشرونشر روزمره با ارواح شهدا و برگرفته از تجربه‌هایی است که برخی از خانواده شهدا به آن اشاره و اظهار کردند که این تجربه به کرات در زندگی روزمره برای خود آن‌ها یا اعضای خانواده‌شان اتفاق افتاده و به اندازه‌ای عادی است که همواره با شهیدشان ارتباط و گفتگوی روزمره دارند و گویی همچنان با او زندگی می‌کنند. در میان بازماندگان میانسال شهدا نوعی از ارتباط و توسل یافت شد که در هیچ‌یک از تیپ‌های دیگر وجود نداشت. این افراد مدعی حشرونشر روزمره با ارواح شهدای خانواده خود بودند و اظهار می‌کردند با آن‌ها صحبت می‌کنند و از آن‌ها می‌خواهند در بدنشان حلول کنند و کارهایشان را انجام دهند و آن‌ها نیز اجابت می‌کنند؛ برای نمونه یکی از این افراد می‌گفت: «در پیاده‌روی اربعین نام شهیدم را صدا زدم و گفتم بیا پای من شو برای پیاده‌روی اربعین؛ زیرا من توان ندارم» و معتقد بود چون برادرش در سی‌سالگی شهید شده است، هنوز توان یک جوان سی‌ساله را دارد و به‌صورت خارق‌العاده‌ای توان او را زیاد می‌کند. برخی دیگر اظهار می‌کردند هنگام گفتگو با شهید، خود صدای او را می‌شنوند و در کل روح او با آن‌ها زندگی می‌کند و گذشته از یاری به خود آن‌ها، کار مردم را نیز راه می‌اندازد. باین‌همه، غالب این افراد به‌سختی حاضر شدند درباره این توسل و ارتباط توضیح بیشتری بدهند و نگران بودند این تجربیات به حساب اختلال حواس یا توهم گذاشته شود. از نظر برگر، آنچه باید مطالعه شود، چیزی است که افراد آن را واقعی می‌پندارند و همین پنداشت‌ها است که معانی و مقاصد را برمی‌سازد و کردارها را موجب می‌شود. از این‌رو شناسایی پدیدارهای بین‌الذهانی زندگی روزمره به‌ویژه باورهایی که نوعی معنای غایی و متعالی برای انسان‌ها ایجاد می‌کند، اهمیت دارد (برگر، ۱۹۶۹ به نقل از مرشدی، ۱۳۹۱).

پژوهش‌های حوزه دینداری در ایران حاکی از آن است که دین و دینداری دستخوش تنزل قرار نگرفته، اما در بین اقشار و نسل‌های مختلف، تفاوت‌هایی در نوع دینداری مشاهده می‌شود (رفعت‌جاه و شمسایی، ۱۳۹۴؛ هاشمی و زارع، ۱۳۹۵). همین منوال درباره ذهنیت و دین‌ورزی خانواده‌های داغ‌دیده که فرزندان را به‌واسطه وظیفه شرعی جهاد از دست داده‌اند، صدق می‌کند. فقط این بار تفاوت در جای‌دادن مفاهیم و باورهای دینی در مصادیق قابل‌رویت آن‌ها است و این جایگیری به این دلیل که متناسب با تجربیات و ذهنیت‌های متفاوت صورت‌بندی می‌شود، ناگزیر به نتایج متنوعی منتهی می‌شود. به عبارت دیگر، حضور در شرایط یا به سوگ برادر و پدر و فرزند نشستن یا حتی دیدن بی‌واسطه چنین تجربه‌ای، دریافت سهمگینی از واقعیت است که تحت همان مفاهیمی صورت‌بندی می‌شوند که بزرگان دین (امامان معصوم) نیز با این اوصاف، در خلال تاریخ به آیندگان شناسانده شده‌اند؛ تا جایی که جایگاه شهدا نزد خانواده‌هایشان و معاصران مذهبی آن‌ها، با جایگاه امامان هم‌پوشانی پیدا می‌کند. نسبت و میزان این هم‌پوشانی، انواع متکثر این نوع نگرش را نمایان می‌کند.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله کارشناسی ارشد نویسنده دوم با عنوان «تکریم آیینی شهدا در زندگی روزمره؛ مطالعه‌ای پدیدارشناختی در مردم خیابان ایران»، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. در این مقاله تعارض منافعی وجود ندارد.

منابع

- آزادارمکی، تقی و غیاثوند، احمد (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین‌داری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی. *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۱۱۷-۱۴۸، ۳۵.
- برگر، پیتر (۱۳۸۰). *افول سکولاریسم*. ترجمه افشار امیری. تهران: نشر پنگان.
- بشیری، حسین (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نی.
- خلیلی پالندی، فرشته و کرد نائج، اسدالله (۱۳۹۷). تاثیر فرهنگ ایتار و شهادت بر سرمایه اجتماعی با میانجی‌گری باورهای دینی. مدیریت اسلامی، ۳(۶۲)، ۳۷-۵۷. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22516980.1397.26.3.3.8>
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۹). *لغت نامه*، شماره مسلسل ۱۶۰، شماره حرف ش، بخش اول، ۱۷۱-۱۶۹.
- رفعت‌جاه، مریم و شمسایی زفرقندی، شایسته (۱۳۹۴). دگرگونی ارزش‌های دینی و انقلابی در بین دو نسل از خانواده‌های مذهبی ساکن خیابان ایران. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۰(۱)، ۳۱-۵۴. <https://doi.org/10.22059/ijar.2021.321740.459664>
- سراج زاده، سید حسین (۱۳۸۳). *چالش‌های دین و مدرنیته*، انتشارات طرح نو.
- سلمانی‌پور، محمدجواد و ایمانی‌فر، حمیدرضا (۱۳۸۹). مرگ و شهادت از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی. *پژوهش‌نامه علوم و معارف قرآن کریم*، ۱(۸)، ۹۲-۱۱۸.
- شریعتی، سارا (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی دین در دنیای جدید و جهان اسلام*. آکادمی مطالعات ایرانی لندن.
- علمی، قربان و حسن‌زاده، مهدی (۱۳۹۱). واکاوی روش پیتر برگر در فهم دین. *معرفت/ادیان*، ۳(۳)، ۲۹-۴۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (تاریخ نامشخص). *اصول کافی*، جلد ۵. تهران: انتشارات اسوه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۳.
- مرشدی، ابوالفضل (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی و الهیات در آراء پیتر برگر*، مطالعات اجتماعی دین، ۱(۱)، ۷۲-۸۶.
- نهج‌البلاغه (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات الهادی.
- نایی، هوشنگ و آزادارمکی، تقی (۱۳۸۵). سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۷(۳)، ۷۶-۹۳. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1385.7.3.5.0>
- هاشمی، حکیمه و زارع، سعید (۱۳۹۵). بررسی رابطه نوع دینداری دانشجویان و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، *رسانه و فرهنگ*، ۶(۲)، ۱۹۷-۲۱۲.

References

- Azadarmaki, T., & Ghiayasvand, A. (2002). A sociological analysis of youth religiosity with the approach of religion shapelessness. *Pazhuheshnameh-ye Olum-e Ensani*, 35, 117–148. (In Persian)
- Bashirieh, H. (1998). *Political sociology: The role of social forces in political life*. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Berger, P. (2001). *The decline of secularism* (A. Afshar Amiri, Trans.). Tehran: Pengan Publications. (In Persian)
- Berger, I. P. (1997). Secularism in Retreat, *the National Interest*, 46, 3-12.
<https://doi.org/10.1017/CBO9781139924610.011>
- Dehkhoda, A. (1970). Definition of Shahid [Martyr]. In *Dehkhoda Dictionary*. Serial No. 160, letter of sh, the First Part, pp. 169-171, (In Persian).
- Doostdar, A. (2018). *Empirical spirits: Islam, spiritism, and the virtues of science in Iran*. University of Chicago Press.
- Elmi, Gh., & Hasan Zadeh, M. (2012). An analysis of Peter Berger's method in understanding religion. *Ma'refat-e Adyan*, 3(3), 29–44. (In Persian)
- Faherty, R. L. (n.d.). *Nature and origins of sacrifice*. Encyclopedia Britannica. Retrieved from <https://www.britannica.com>
- Khalili Palandi, F., & Kord Naij, A. (2018). The impact of sacrifice and martyrdom culture on social capital with the mediation of religious beliefs. *Islamic Management Research Quarterly*, 62(3), 37–57. (In Persian)
- Kuleini, M. ibn Yaqub. (n.d.). *Al-Kafi*, Vol. 5. Tehran: Osveh Publishing. (In Persian)
- Glock, C. Y., & Stark, R. (1970). *Religion and society in tension*. Rand McNally & Company
- Hervieu-Léger, D. (2001). *Religion as a chain of memory*. Rutgers University Press.
- Lawson, D. (2015, August 11). Iron Maiden: The Book of Souls review. *Classic Rock*. Retrieved from <https://www.loudersound.com>
- Makarem Shirazi, N. (2001). *Tafsir Nemouneh*, Vol. 3. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyah. (In Persian)
- Morshedi, A. (2012). Sociology and theology in the thought of Peter Berger. *Journal of Social Studies on Religion*, 1(1), 72–86. (In Persian)
- Nahj al-Balagha. (2000). (M. Dashti, Trans.). Qom: Al-Hadi Publications. (In Persian)
- Nielson, W. K. (2019). *The making of the cultures of martyrdom: An anthropological perspective*. California State University, Fullerton.
- Nayebi, H. & Azadarmaki, T. (2006). Secularism and its effects on the higher education, *Iranian Journal of Sociology*, 7(3), pp 76-93, (In Persian), <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17351901.1385.7.3.5.0>
- Rafatjah, M., & Shamsaei Zafargandi, Sh. (2015). Transformation of religious and revolutionary values between two generations in religious families of Iran Street, Tehran. *Iranian Anthropology Research Journal*, 10(1), 31–54, <https://doi.org/10.22059/ijar.2021.321740.459664> (In Persian)
- Salmanpour, M. J., & Imanifar, H. R. (2010). Death and martyrdom from the perspective of the Quran and psychology. *Qur'anic Sciences and Teachings Journal*, 1(8), 92–118. (In Persian)
- Shariati, S. (2015). Sociology of religion in the modern world and the Islamic world. *London Academy of Iranian Studies (LAIS)*. (In Persian)
- Sam Sawyer, S.J. (2018). 50 years after the martyrdom of Martin Luther King Jr., equal rights are still threatened. *America Magazine*. Retrieved from <https://www.americamagazine.org>
- Winters, J. (1997). *Dying for God: Martyrdom in the Shi'i and Babi religions* (Master's thesis). University of Toronto.